

موانع

تألیف کتاب‌های کمک آموزشی

● محمود سالک

مقدمه

سال‌هاست که دست‌اندرکاران صنعت نشر، بر ضرورت پرداختن به تألیف و حمایت از آثار تألیفی تأکید مکرر دارند، و صد البته، کتاب‌های کمک آموزشی هم از این قاعده مستثنا نیستند. در جشنواره‌های مربوط به این قبیل کتاب‌ها نیز در طول این سالیان همواره بر فقر موجود در این زمینه صحنه گذاشته شده و ضرورت توجه به تألیف مطرح شده است.

اما پرسش اساسی این است که حاصل این همه تأکید و تأیید چه بوده است؟ آیا آثار تألیفی رواج یافته‌اند؟ یا حتی آیا می‌توانیم در حال حاضر در این زمینه حرکتی امیدوارکننده و رو به رشد را مشاهده کنیم که نوید آینده‌ای روشن را بدهد؟ پاسخ این حقیر به‌عنوان فردی که سالیان طولانی دست‌اندرکار نشر کتاب و ترجمه و تألیف بوده و علاوه بر آن، هر ساله به مناسبت‌های گوناگون کتاب‌های آموزشی منتشر شده در حوزه‌های کودک، نوجوان و

۲۸۹۱۹۲

پاییز ۱۳۸۸

۶



جوان را به دقت از نظر گذرانده، آن است که خیر! و گمان نمی‌رود که در سایر حوزه‌ها نیز با وضعیتی مطلوب یا حتی امیدوارکننده مواجه باشیم.

اگر پاسخ اول پذیرفته شود، پرسش بعدی را می‌توان به این شکل طرح کرد که آیا عموم اهل قلم و ناشران نسبت به این موضوع بی‌انگیزه و بی‌میل هستند؟ آیا آنان بر این باورند که کتاب‌های ترجمه‌ای تمامی نیازهای مخاطبان را پاسخ می‌دهند و اساساً چندان نیازی به پرداختن به تألیف و با نهادن در این وادی ناشناخته و تجربه‌نشده وجود ندارد؟ آیا سهولت دسترسی و جاذبه‌های اقتصادی کتاب‌های ترجمه‌ای با توجه به نبود قانون «کپی‌رایت» یا «حق تکثیر»، در قیاس با پُر دردسر و سرمایه‌بر بودن تألیف، همواره آنان را به سمت ترجمه سوق می‌دهد؟

تولید کتاب‌های آموزشی در اغلب موارد به کار و فعالیت گروهی نیاز دارد

باز هم به باور این کمینه، هیچ یک از این موارد را نمی‌توان از موانع اصلی تألیف به شمار آورد. لاقلاً در حوزه‌ی کتاب‌های آموزشی، با توجه به اشباع بازار نشر از کتاب‌های ترجمه‌ای تکراری از یک سو، و جلوه نمودن نیازهایی در جامعه که جز از طریق تألیف قابل برآورده ساختن نیستند از سوی دیگر، در طول یک دهه‌ی گذشته تعدادی از ناشران فعال و هوشیار و همچنین شمار قابل توجهی از اهل قلم هوشمند، به تدریج به ضرورت پرداختن به کار تألیف پی برده و تلاش‌هایی را نیز در این زمینه آغاز کرده‌اند. آنان به‌خوبی دریافته‌اند که آثار تألیفی، به شرط تشخیص صحیح نیاز و انتخاب

درس‌ت موضوع و همچنین حصول به کیفیت لازم، حتی به لحاظ اقتصادی نیز به دلایلی از قبیل بی‌رقیب‌بودن و انطباق بیشتر با نیازهای واقعی مخاطبان در جامعه‌ی ایرانی، می‌توانند بر آثار ترجمه‌ای ترجیح یابند. از سوی دیگر، با نگاه درازمدت و با توجه به احتمال پیوستن جمهوری اسلامی ایران به پیمان «کپی‌رایت» که گهگاه زمزمه‌هایی مبنی بر اجتناب‌ناپذیر بودن آن مطرح می‌شود، آثار تألیفی سرمایه‌هایی ماندگارتر و قابل انکارتر به شمار می‌آیند. علاوه بر آن، توجه بیشتر تری برای جذب حمایت دارند، افتخارآمیزتر نیز هستند و همچنین می‌توانند زمینه‌ی جهانی‌شدن صنعت نشر را فراهم آورند.

با فرض قبول این نگاه، پس موانع اساسی تألیف چیست؟ این مقاله‌ی کوتاه سعی بر آن دارد که در حوزه‌ی کتاب‌های آموزشی موانع اصلی تألیف را هر چند به اختصار مطرح و مرور کند؛ با این امید که زمینه‌ی مطالعات و پژوهش‌های گسترده‌تر و ارائه‌ی راهکارهای تأثیرگذار و رونق‌آفرین فراهم آید.

رونق نداشتن تولید علم در جامعه

واقعیت آن است که در نگاه کلان، هر چه تولید علم و پژوهش در جامعه پُرونق‌تر باشد و این موضوع بیش‌تر در کانون توجه مسئولین و عموم مردم قرار گیرد و ارج و قرب یابد، ارائه‌ی آثار تألیفی نیز رونق و رواج بیش‌تری پیدا می‌کند. رفع این مانع فراتر از حیطه‌ی صنعت نشر است و عزم و همت ملی می‌طلبد. ولی چنان چه این امر در فرآیندی درازمدت به وقوع بپیوندد، به مرور آثار مبارک آن در صنعت نشر نیز پدیدار خواهد شد.



ضعف در کار گروهی و جمعی

تولید کتاب‌های آموزشی در اغلب موارد به کار و فعالیت گروهی نیاز دارد و مجموعه‌ای از اهل فن، از نویسنده گرفته تا کارشناس، مشاور، برنامه‌ریز، گرافیکست، تصویرگر، عکاس، ویراستار و... باید در محیطی هماهنگ و صمیمی با امکانات مناسب، گرد هم آیند تا اثر تألیفی درخور و شایسته‌ای شکل گیرد. تجربه‌ی اهل قلم و ناشرین ما در این زمینه ناچیز است و اساساً با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی رایج در جامعه، همواره گرایش به کار فردی بیش‌تر است. کار جمعی با دشواری فراوان شکل می‌گیرد و دشوارتر از آن به سرانجام می‌رسد. برای اغلب ناشرین نیز امکان گردآوردن چنین جمع‌هایی و حمایت و نظارت مستمر بر کار آنان تا به سرانجام رسیدن کار وجود ندارد.

یکی از راه‌های غلبه بر این مانع، حمایت جدی و مؤثر دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان حوزه‌ی نشر از شکل‌گیری گروه‌های ویژه‌ی تألیف در قالب‌های گوناگون از قبیل کارگاه، کانون، مؤسسه، شرکت و... و ارائه‌ی کمک‌های مالی به آنان برای گذر از مراحل اولیه است. این کار می‌تواند به بهانه‌ی سفارش پروژه‌های ملی مورد نظر که ضرورتشان به‌خوبی و به وضوح در حوزه‌های گوناگون حس می‌شود انجام گیرد تا با یک تیر دو هدف نشانه گرفته شود.

دشواری دسترسی به مواد و منابع لازم

کار تألیف نیازمند دسترسی سهل و آسان مؤلف یا گروه تألیف به منابع و مواد لازم، از قبیل کتاب‌ها، مقالات، پژوهش‌ها، آرشیوهای دولتی و خصوصی، عکس‌ها و تصاویر، و حتی فیلم‌های مرتبط با موضوع است. گرچه امروزه گسترش شبکه‌ی اینترنت، در پاره‌ای موضوعات دسترسی به این منابع و مواد را آسان کرده است، اما در حوزه‌های داخلی و بومی که شاید بیش‌ترین و ضروری‌ترین موارد تألیف نیز به آن‌ها مربوط می‌شود، این اطلاعات به‌خوبی سازمان داده نشده‌اند و به سهولت در دست‌رس عموم قرار نمی‌گیرند. گاهی این دشواری‌ها به حدی است که مؤلف به ناچار عطای تألیف را به لقایش می‌بخشد. بنابراین، هر چه این مسیر به‌ویژه از سوی ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی هموارتر شود، چنین موانعی کم‌تر نمود پیدا می‌کند و مسیر تألیف نیز هموارتر می‌شود و شوق و ذوق نسبت به آن افزایش می‌یابد.

۲۸۹۱۲۰

پاییز ۱۳۸۸



کمبود منابع مالی

با توجه به آن‌چه شرح داده شد، بدیهی است که کار تألیف زمان بر و پرهزینه است. اهل قلم به‌طور طبیعی نه‌تنها امکان سرمایه‌گذاری در این زمینه را ندارند، بلکه برای هزینه‌های جاری زندگی در طول پروژه‌های طولانی، خود نیازمند حمایت مالی هستند. از سوی دیگر، اغلب ناشرین به‌ویژه در بخش خصوصی، از توان مالی کافی برای حمایت از این قبیل پروژه‌ها برخوردار نیستند.

و کم‌شمار ناشران توانمند هم به ثمربخش بودن آن‌ها، با توجه به موانع فوق‌الذکر، امید و اطمینان کافی ندارند. در بخش دولتی نشر نیز، عمر کوتاه مدیریت‌ها و نبود همان باور به ثمره‌ی کار، سرمایه‌گذاری در کارهای تألیفی و طولانی را با دشواری مواجه می‌سازد.

به این ترتیب دوری باطل و چرخه‌ای معیوب شکل می‌گیرد. از یک سو، اهل قلم توان مالی برای پرداختن به کار تألیف را ندارند، و از سوی دیگر، ناشرین توانمند حاضر به قبول ریسک سرمایه‌گذاری کلان در این زمینه نیستند و انتظار دارند که ابتدا حاصل کار را به شکل حاضر و آماده ببینند و سپس برای چاپ آن تصمیم بگیرند. مسئولین مربوطه می‌توانند با تضمین این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها به شکل‌های گوناگون، همان‌گونه که در سایر زمینه‌های تولیدی ضرور و راهبردی مرسوم است، این مانع را تا حدودی برطرف سازند و حرکت‌های اولیه را شکل دهند. با مشخص شدن ثمرات این حرکت‌ها، بی‌تردید دیوار بلند ترس‌ها و نگرانی‌ها فروخواهد ریخت و افقی روشن و پُر جاذبه پدیدار خواهد شد.

پایین بودن شمارگان کتاب

در شرایط کنونی، شمارگان پایین کتاب‌ها یکی از موانع اصلی تألیف است. با توجه به هزینه‌های بالای کار تألیفی، پایین بودن شمارگان یا سبب افزایش قابل ملاحظه‌ی قیمت در مقایسه با سایر آثار موجود در بازار می‌شود که فروش را محدود می‌سازد، و یا ناشر و سرمایه‌گذار را ناچار خواهد کرد که این سرمایه‌گذاری را در چاپ‌های متعدد سرشکن سازد و به بهره‌گیری در درازمدت دل ببندد که به نوبه‌ی خود، جاذبه‌ی سرمایه‌گذاری را کم می‌کند.

تضمین خرید شمارگان مناسب از سوی سازمان‌های مسئول و حامی، مشروط به رعایت استانداردهای لازم در اثر تألیفی، یکی از مؤثرترین راهکارهای مقابله با این مانع و رونق بخشیدن به عرصه‌ی آثار تألیفی است. اگر این حمایت با اخذ تضمین‌های قابل قبول اما سهل، به شکل پیش‌خرید انجام گیرد، اثر بخشی آن صد چندان خواهد شد.

نبود تعریف دقیق از زمینه‌ها و ضرورت‌های تألیف

ضرورت تألیف چیست و این ضرورت در کدام زمینه‌ها به چشم می‌خورد؟ در این مورد نباید همان راه خطایی را پیمود که صنعت و اقتصاد کشور پیموده است و بی‌توجه به مسائلی از قبیل مزیت‌های نسبی و تفکر تولید برای جهانیان، می‌خواهد در تمام زمینه‌ها و عرصه‌ها تولیدکننده و خودکفا باشد. این روش در نهایت حاصلی جز ائتلاف بخش عظیمی از سرمایه‌های انسانی و مالی و هم‌چنین، رشد ناکافی در زمینه‌های دارای مزیت‌های نسبی فراوان و یا راهبردی و حیاتی نخواهد داشت. به‌علاوه به‌طور طبیعی، بسیاری از تولیدات قادر به رقابت با تولیدات مشابه خارجی نخواهد بود. در این حالت، اگر بر مصرف این تولیدات ضعیف پافشاری کنیم و خواننده را از تولیدات با کیفیت خارجی محروم سازیم، به بیراهه‌ای خواهیم رفت که حاصلی جز ظلم به

در شرایط کنونی
شمارگان پایین کتاب‌ها
یکی از موانع اصلی تألیف
است

۲۸۹۱۹۲

پاییز ۱۳۸۸

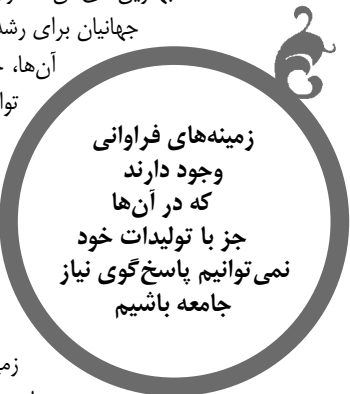
۹

مخاطب، و از آن مهم‌تر، افت سطح کیفی و علمی آثار و در نتیجه ضعف آموزش در پی نخواهد داشت.

تعریف دقیق این زمینه‌ها و حوزه‌ها که عمدتاً به رفع نیازهای بومی، ملی، فرهنگی و دینی، و همچنین شناساندن باورها و توانایی‌های خود به جهانیان بازمی‌گردد، از ضروریات سامان‌یافتن کار تألیف کتاب‌های آموزشی است. باید بپذیریم که در بسیاری از زمینه‌ها می‌توانیم با استفاده از آثار منتشر شده در سطح جهان و شناسایی این آثار با بصیرت و شناخت کافی و انتخاب بهترین‌های آن‌ها، ترجمه‌هایی خوب و مناسب را روانه‌ی بازار سازیم و از توانایی و تجربه‌های جهانیان برای رشد خود بهره‌گیریم. اما در سوی دیگر، زمینه‌های فراوانی وجود دارند که در آن‌ها، جز با تولیدات خود نمی‌توانیم پاسخ‌گوی نیاز جامعه باشیم و یا داشته‌ها و توانایی‌های خود را به شکل متقابل به جهانیان عرضه داریم. به نظر می‌رسد که مناسب‌ترین راه رفع این مانع، ایجاد ارتباط متقابل بین صنعت نشر و ارگان‌ها، وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌هایی است که می‌توانند در شناسایی، معرفی و سفارش این نیازها دخیل باشند.

شاید گفته شود، بسیاری از این حمایت‌ها هم‌اکنون نیز جریان دارند و این گفته نیز خالی از حقیقت نباشد. اما به یقین تاکنون حجم، شفافیت و سطح فراگیری آن‌ها به گونه‌ای نبوده است که تحول‌آفرین شود. لازم است زمینه‌هایی چنان شفاف، عام و فراگیر فراهم آیند که افراد صاحب صلاحیت بتوانند با ذوق، اشتیاق، امید و آسایش خاطر فراوان به تألیف روآورند.

و کلام آخر آن که باید بستر نشر را هم‌چون کشتزاری وسیع و مستعد ببینیم و بذر تألیف را در سرتاسر آن بپاشیم، و نگران نباشیم که ممکن است بخشی از این مزرعه به هر دلیلی، حاصل مورد نظرممان را به بار نیاورد؛ چرا که حاصل بخش دیگر، چنان مبارک و میمون خواهد بود که ثمرات آن تمام جامعه را در بر خواهد گرفت و رونق دائمی این کشت و زرع را در پی خواهد آورد. ان‌شاءالله.



زمینه‌های فراوانی
وجود دارند
که در آن‌ها
جز با تولیدات خود
نمی‌توانیم پاسخ‌گوی نیاز
جامعه باشیم